

اعتراضات توده ای مبارزات کارگری و افق‌های طبقاتی



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

جنگ امپریالیستی در اوکراین فقط کشورهای درگیر در جنگ را تحت الشعاع خود قرار نداده است، بلکه کل جهان سرمایه داری تحت تاثیر شرایط جدید جهانی قرار گرفته است. طبقه کارگر و اقشار تحتانی جامعه که مستقیماً در جنگ سلاخی نمی شوند، هزینه جنگ را می پردازند. تورم نه فقط در کشورهای پیرامونی سرمایه بلکه در متروپل سرمایه داری سطح استاندار زندگی طبقه کارگر را پائین آورده است. در کشورهای پیرامونی سرمایه، تورم کمر شکن شده است یعنی جنگ انداختن به سفره خالی کارگران و اقشار تحتانی جامعه.

در چنین زمینه ای بود که موج جدیدی از اعتراضات توده ای از اواخر اردیبهشت در اعتراض به گرانی و تورم لجام گسیخته شکل گرفت و خود را به اکثر شهرها گسترش داد. فرو ریختن برج متروپل در دوم خرداد در آبادان که در نتیجه آن ۳۹ نفر جان باختند و ده ها نفر مفقود هستند، موجب گسترش اعتراضات شد. در رابطه با فرو ریختن ساختمان متروپل، بورژوازی در اولین اقدام به جای ارسال نیروهای امدادی، یگان ضد شورش ارسال کرد که به شعله ور شدن اعتراضات نیرو بخشید.

اعتراضات توده ای محصول بحران سرمایه داری است و آنرا میتوان در دیگر کشورها چه در سرمایه داری پیرامونی مثل ایران، ترکیه و یا سرمایه داری متروپل مثل فرانسه (جلیقه زردها) مشاهده کرد. اما از آنجائیکه سرمایه داری متروپل تلاش میکند، تا آنجا که امکان دارد بار بحران سرمایه داری را به سرمایه داری پیرامونی منتقل کند، لذا بار بحران در کشورهای پیرامونی سرمایه داری خود را مخربتر از سرمایه داری متروپل نشان میدهد. فقر، گرانی لجام گسیخته، بیکاری تعمیم یافته، اختلاسه های نجومی، مشکلات زیست محیطی و آلودگی هوا، در یک کلام زندگی زیر خط فقر، یک جهنم واقعی و زمینی برای اکثریت اعضای جامعه بوجود آورده است. در مقابل اقلیت ناچیزی بشکل انگلی و با زندگی افسانه ای و اشرافی خود یک بهشت زمینی از حاصل دسترنج طبقه کارگر برای خود درست کرده اند.

بورژوازی اسلامی در بحران نه میتواند و نه میخواهد خواسته های معترضان را برآورد کند. بورژوازی جنایتکار از یک سو به سرکوب متوسل میشود و از سوی دیگر میخواهد اعتراضات را تحت کنترل خود در آورد و به مجرای قانونی و دولتی سوق دهد تا مانع از شعله ور شدن اعتراضات به دیگر مناطق شود. این مسئله را به وضوح میتوان در رابطه با اعتراضات به فرو ریختن برج متروپل مشاهده کرد.

برخلاف عوامفریبی های گرایش‌ها را ست و چپ سرمایه، زندگی بربروار، تورم، اختلاس، فساد اقتصادی، آلودگی هوا و... نه محصول بد مدیریتی بورژوازی پیرامونی و در مورد مشخص بورژوازی ننگین اسلامی بلکه محصول نظام سرمایه داری است. لذا تنها مسئول دانستن جنایتکاران و گانگسترهای اسلامی بعنوان مسبب اصلی بدبختی طبقه کارگر و اقشار تحتانی جامعه، عملاً در امان نگه داشتن سرمایه داری از مبارزه ضد سرمایه داری است. خالی کردن خشم و عصیان توده های معترض به شرایط زندگی ضد انسانی و فلاکت بار خود در اعتراضات ضد رژیم است. قوت گرفتن جنبش ضد رژیمی به بهای خون انسانهای تحتانی جامعه است. جنبش ضد رژیمی میتواند بورژوازی دیگری را جایگزین بورژوازی اسلامی سازد، اما شرایط فلاکت‌بار اکثریت جامعه همچنان تداوم یابد. باید به توحش و بربریت سرمایه داری پایان داد.

ویژگی اعتراضات توده ای این است که اقشار تحتانی و میانی جامعه با هر نوع تفکر و تعلق طبقاتی در آنها شرکت می کنند، از سلطنت طلبان، قوم پرستان و دیگر نیروهای مرتجع تا انسانهای معترض به توحش سرمایه داری، مثل جنبش جلیقه زردهای فرانسه. کارگران در چنین جنبش‌هایی نه بعنوان یک طبقه اجتماعی بلکه همچون کارگران منفرد شرکت میکنند.

در اعتراضات توده ای، در خیابان، کارگر منفرد، جدا شده از طبقه، آن هم در شکل شورش، نمی تواند مواضع طبقاتی خود را بیان کند، بلکه در خیابان به سیاهی لشکر طبقات دیگر تبدیل می شوند. شورش های توده ای خیابانی راه حلی برای بیرون آمدن از منجلاب سرمایه داری نیست. تنها زمانیکه طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی ظاهر شد و اعتراضات توده ای را بدنبال خود کشید و رهبری این اعتراضات را در دست گرفت، آن موقع اعتراضات توده ای در خدمت مبارزه طبقاتی کارگران قرار خواهد گرفت. زمانیکه طبقه کارگر به عنوان یک طبقه اجتماعی رهبری اعتراضات توده ای را در دست نداشته باشد امکان اینکه اعتراضات توده ای به عنوان سکوی پرش برای قدرت گیری گرایش‌ها بورژوایی رقیب تبدیل شوند، وجود دارد.

در کنار اعتراضات توده ای، اعتراضات و اعتصابات کارگری همچنان تداوم دارد. با توجه به شرایط اجتماعی، سخت است آمار دقیقی از تعداد اعتراضات و اعتصابات ارائه داد اما سال گذشته به لحاظ تعداد اعتراضات

و اعتصابات کارگری یکی از غنی ترین سالها بود که در آن چندین هزار اعتراض یا اعتصاب کارگری به ثبت رسید، به عبارت بهتر روزانه چندین اعتراض یا اعتصاب کارگری به وقوع پیوست. یکی از با اهمیت ترین آنها اعتراضات و اعتصابات کارگران پروژه‌ای صنایع نفت و پتروشیمی در تابستان گذشته بود.

در سالهای اخیر، سوای از دیگر بخشهای طبقه کارگر، پرولتاریای صنعتی درگیر اعتراضات و اعتصابات کارگری شده است. سوال اساسی که مطرح میشود این است، با وجود اعتراضات و اعتصابات وسیع کارگری، چرا دستاوردها ناچیز بوده است؟ اهم نکات ضعف اعتراضات و اعتصابات کارگری را میتوان در عوامل زیر دید:

با وجود اینکه اعتصابات کارگری از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق را در نور دیده است اما اعتصابات فاقد همبستگی طبقاتی درونی است. از هم گسیختگی اعتراضات و اعتصابات کارگری و عدم هماهنگی در بین اعتراضات کارگری یکی از ضعف های اصلی اعتصابات کارگری است، اعتصابات جدا از هم اتفاق می افتند و فاقد پیوند با دیگر اعتصابات هستند و به همین خاطر طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی ظاهر نمی شود.

قانونگرایی، هدایت اعتراضات و اعتصابات کارگری به کانال قانونی و دولتی و تخلیه خشم طبقاتی کارگران یکی از خطراتی که اعتراضات و اعتصابات کارگری را تهدید میکند.

توهامات سندیکالیستی و اتحادیه ای سم مهلکی است که توسط سندیکالیستها، اتحادیه گرایان و چپ سرمایه فضای سیاسی را مسموم میکند. حمایت کاغذی اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری کشورهای غربی از اعتصابات کارگری تنها توهم آفرینی توسط اینها نیست بلکه خاک پا شیدن به چشمان طبقه کارگر است. همین اتحادیه ها و سندیکاهای در کشورهای غربی خود در اعمال ضد کارگری ترین قوانین نقش مهمی ایفا میکنند، حتی لیست سیاه از کارگران معترض تهیه میکنند. همبستگی های کاغذی اتحادیه های ضد کارگری مانع آن میشود تا گردانهای طبقه کارگر جهانی بتوانند همبستگی واقعی، حقیقی و طبقاتی خود را بوجود آورند.

همزنجیران!

تمامی نگاهها، تمامی امیدها به طبقه ما دوخته شده است. اگر طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی در این اعتراضات ظاهر نشود و رهبری آنها را به دست نگیرد، اگر اعتراضات مسیر مستقل طبقاتی را در پیش نگیرد، اگر

طبقه کارگر کمیته های محلات، کارخانه، اعتصاب، مبارزه و دیگر نهادهای مستقل خود را ایجاد نکند، مبارزه طبقه ما تنها در خدمت مبارزه ضد رژیم قرار خواهد گرفت. اعتراضات در خدمت افق ضد دیکتاتوری قرار خواهد گرفت. همانطوریکه در سال ۱۳۵۷ بورژوازی اسلامی بر گرده مبارزات ما سوار شد و در نتیجه آن بورژوازی اسلامی جایگزین بورژوازی سلطنتی شد، اما بردگی مزدی برای طبقه ما تداوم یافت.

ما در اعتراضات خود تنها میتوانیم به قدرت طبقاتی خود و دیگر هم طبقه ای هایمان متکی شویم. تنها از زمین طبقاتی خود قادر خواهیم بود حملات بورژوازی را دفع نماییم. هماهنگی اعتراضات کارگری و پیوند اعتصابات کارگری، سوای از اینکه همبستگی طبقاتی را نشان میدهد، کارگران را از قدرت بیشتری برخوردار خواهد کرد و زمینه را برای تکامل مبارزه طبقاتی به سطح عالی تر مهیا خواهد کرد. تنها طبقه کارگر قادر است افق آینده بهتر را ارائه دهد. مبارزه طبقاتی بخاطر ماهیت ضد سرمایه داری خود، نه تنها میتواند به دیگر کشورهای سرمایه داری گسترش یابد و همبستگی طبقاتی کارگران دیگر کشورها را برانگیزد بلکه در روند خود، دولت سرمایه را نیز به چالش بکشد و انقلاب کمونیستی را در دستور روز پرولتاریا قرار دهد.

زنده باد مبارزه مستقل کارگری!

زنده باد جنگ طبقه علیه طبقه!

م جهانگیری

۱۱ خرداد ۱۴۰۱